

استناد: میرزایی، محمد پناهی؛ حمید پناهی؛ عظیمی، فاطمه (۱۴۰۰). مفهوم شناسی امنیت و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلام. ۱۸ (۵۷) صص ۱۲۴-۱۰۵
DOI: 10.22034/init.2021.95901

مفهوم شناسی امنیت و جایگاه آن در سیاست کیفری اسلام

محمد میرزایی^۱

حمید پناهی^۲

فاطمه عظیمی^۳

چکیده

زمینه و هدف: از آنجایی که امنیت در مفهوم متعارف و مادی در تطبیق با رویکرد دینی دارای تفاوت‌هایی است، رفع ابهام و شفاف‌سازی محتوایی و شکلی مفهوم امنیت نیازمند بررسی است که این مقاله تبیین این مهم را عهده‌دار است. **روش:** پژوهش حاضر از نظر هدف کاربردی و از لحاظ روش اجرا، توصیفی - تحلیلی است و جمع‌آوری اطلاعات آن از طریق بررسی اسنادی و فیش‌برداری و بهره‌گیری از منابع کتابخانه‌ای و پژوهشی صورت گرفته است.

یافته‌ها: امنیت دارای تأثیری شگرف بر سیاست‌های کنشگران در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از جمله کیفری و جنایی است. در واقع نوع، محتوا و مدل سیاست‌های جنایی و کیفری با تأثیرپذیری از تفسیری که کنشگران مؤثر در این عرصه چه در بعد تقنینی، قضایی و اجرایی از امنیت می‌نمایند متحول می‌شوند. تأثیر سیاست‌های کیفری و جنایی اسلام از امنیت مبتنی بر تعریفی ذواصلاح از امنیت و در راستای امنیت‌افزایی مادی و معنوی مخاطبان این سیاست‌ها یعنی همه شهروندان جامعه اسلامی و به‌منظور تعالی ایمانی آنها در قرب به الله خواهد بود.

نتیجه‌گیری: از آنجایی که در رویکرد دینی برخلاف رویکرد مادی، این ارزش در کنار شأن مادی و دنیایی خود، دارای ساحتی معنوی و اخروی است که منشأ آن فراتر از عقل مادی و محدود انسانی است و در واقع منشأ الهی و وحیانی دارد و در تعاملی هماهنگ و همسازوار با سایر ارزش‌ها مانند عدالت و آزادی و نه در تضام و تعارض با آنها، ضمن تأمین امنیت و ایمنی مادی افراد، سعی در تعالی معنوی ایشان در همه عرصه‌ها و نیل به قرب الهی را از جمله در عرصه سیاست‌گذاری جنایی و کیفری رادنبال می‌کند.

واژه‌های کلیدی: امنیت، اسلام، سیاست کیفری، رویکرد معنوی و مادی

۱. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی امین (نویسنده مسئول) md92.mirzaei@gmail.com

۲. عضو هیئت علمی دانشگاه علوم انتظامی. hamidpana@gmail.com

۳. عضو هیئت علمی دانشگاه پیام نور azimif622@gmail.com

مقدمه

امنیت از موضوعات بسیار خاصی است که در اندیشه‌های اندیشمندان حوزه‌های مختلف و آموزه‌های دینی مورد اشاره واقع شده است. از سوی دیگر این موضوع از مفاهیم با اهمیت، پیچیده ذواضلاع، پر کاربرد و جدید در دنیای امروز به‌شمار می‌آید؛ به‌گونه‌ای که در بسیاری از مباحث حقوقی، سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و ... مطرح و بر اساس اهداف مورد نظر در آن حوزه، مورد تفسیر و گاه سوء استفاده واقع می‌شود. به بیان دیگر این مفهوم یکی از اساسی‌ترین اهداف و کار ویژه‌های همه نظام‌های سیاسی در کلیه اعصار و دوران بشری بوده و در سیاست‌گذاری‌های کیفی و جنایی نیز مورد توجه و تأکید واقع شده است. علت این امر هم به تأثیرگذاری این ارزش بر سایر ارزش‌های مورداهمیت در نظام حقوقی و قضایی مانند آزادی‌های فردی و جمعی، عدالت و ... مربوط است. از این رو می‌توان اذعان نمود که از آنجایی که امنیت به‌عنوان یکی از عناصر کلیدی در سیاست‌گذاری‌های کیفی و مدلسازی سیاست جنایی شناخته می‌شود بنابراین بررسی و کالبدشکافی آن امری ضروری و اجتناب ناپذیر خواهد بود. مفهوم امنیت در آموزه‌های قرآنی در گستره وسیعی از آیات مورد توجه واقع شده برای مثال درخواست امنیت از سوی حضرت ابراهیم^۱ و تأکید بر حرمت جنگ در ماه‌های حرام و مکه و یادآوری بعضی اقوام بهره‌مند از نعمت امنیت مانند قوم سبأ^۲ و ارتباط بخش فراوانی از مباحث فقهی مانند حدود و دیات و جهاد و با مقوله امنیت، نشان از اهمیت امنیت در اسلام دارد و نشان‌دهنده توجه قرآن به تعمیم فرهنگ صلح و امنیت در جامعه اسلامی است. اگرچه در آموزه‌های فقهی، به صورت یک باب مجزا یا مستقل در نظر گرفته نشده، اما به‌عنوان یکی از نعمت‌های بزرگ مادی و معنوی شمرده شده و در حوزه موضوعاتی مانند جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، حقوق فردی و عمومی، برقراری قسط و عدل، قضاوت، اجرای حدود الهی، امانت و امانت‌داری، برخورد با اشرار، محاربان، باغیان، یاغیان، مفسدان و جاسوسان مطرح و مورد توجه واقع شده است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۳۶).

فصل
فصل دوم
شماره ۵۷ - بهار ۱۳۹۰

۱. «وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ آمِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ» (ابراهیم، ۳۵).
 ۲. «وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم وَبَيْنَ الْقُرَى الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا قُرَى ظَاهِرَةً وَقَدَرْنَا فِيهَا السَّبِيلَ سَبِيلًا مَنِينًا وَأَيُّهَا آمِنِينَ» (سبأ، ۱۸).

درواقع برپایی امنیت و امنیت‌سازی اساس و پایه‌ی دستیابی به ارزش‌هایی مانند حق^۱ و عدالت دانسته شده است. پژوهش حاضر نیز بیشتر به منظور تفسیر، تفصیل و تبویب دیدگاه‌های موجود و متعارف و رویکرد اسلامی در مورد امنیت، انجام شده است و به دنبال پاسخ به این سؤال مهم است که چه وجوه مشترک و ممیزه‌ای بین امنیت در رویکرد متعارف و اسلامی وجود دارد؟ بر مبنای فرض اصلی این تحقیق به نظر می‌رسد که برخلاف رویکرد متعارف که به آثار و کارکردهای مادی امنیت متوجه بوده و منشأ امنیت را منافع مادی و عینی صرف تفسیر نموده است، در رویکرد اسلامی امنیت معنوی و ایمانی، به عنوان هدف و کارکرد اصلی امنیت، مقدمه‌ی لازم در تأمین امنیت مادی و تضمین سایر ارزش‌ها مانند عدالت و آزادی تلقی شده است؛ بنابراین میان این ارزش و سایر ارزش‌های مورد تأکید مانند عدالت و آزادی، پیوند و رابطه‌ای مستحکم وجود دارد و نیل به تعالی مادی و معنوی در جامعه ایمانی هدف غایی امنیت‌مداری و سیاست‌های کیفری و جنایی در این عرصه است.

پیشینه تحقیق

هر چند که درباره امنیت کارهای فراوانی توسط محققان انجام شده است اما درباره جایگاه آن در سیاست جنایی و کیفری و به ویژه در اسلام تحقیقات کمتری انجام شده که به برخی از آنها اشاره می‌شود:

مندنی و آشوری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای تحت عنوان «تحلیل سیاست جنایی امنیت‌مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری» به موضوع سیاست جنایی امنیت‌مدار و تحلیل اخلاقی آن در سنجش حقوق بشر پرداخته و این مدل از سیاست جنایی را در تضاد با آموزه‌ها و اصول اخلاقی دانسته است. قناد و اکبری (۱۳۹۶) نیز در مقاله‌ای با عنوان «امنیت‌گرایی در سیاست جنایی» از منظر جرم‌شناختی، به تحلیل ویژگی‌های این مدل از سیاست جنایی پرداخته است و در این خصوص نگاهی نقادانه دارد. کاظمی (۱۳۸۹) هم در مقاله‌ای با عنوان «امنیت ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات» به موضوع امنیت در روایات پرداخته اما به جایگاه آن در سیاست جنایی

۱. «أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِجَهَةِ اللَّهِ خَيْرًا بِمَا تَعْمَلُونَ» (توبه، ۱۶).

توجه نکرده است. خلیلی (۱۳۸۷) نیز در مقاله «امنیت و آزادی؛ در جستجوی نگرشی معطوف به توسعه پایدار» به تحلیل امنیت و آزادی در جامعه و تأثیر آنها در نیل به توسعه در جامعه پرداخته است. همان گونه که مشاهده می شود در تحقیقات پیش گفته یا به صورت خاص به بحث امنیت توجه شده و یا به مدلی از سیاست جنایی که امنیت در قرائت جرم شناسانه و غیراسلامی در آن تحلیل شده اشاره دارد بنابراین توجه به امنیت در قرائت اسلامی و جایگاه و تأثیر آن بر سیاست گذاری های کیفری و جنایی اسلام از وجوه بدیع این تحقیق به شمار می رود.

مفهوم شناسی امنیت

امنیت فاقد معنای خاص، واحد، مصداق بیرونی مشخص، مدلول معین و مفهوم روشن قابل ارجاع است و به تعبیر و لفرز به «نماد مبهم و مجملی» تبدیل شده است (ولفرز، ۱۹۹۲: ۴۹۸). به عبارت دیگر مفهوم امنیت دارای ماهیتی غیر واضح، مجمل، مبهم، نارسا و مناقشه آمیز و دارای خصوصیات متباین و متناقض است و با توجه به این ویژگیهای توسعه نیافته و نسبی بودن امنیت (آلان، ۲۰۰۴: ۳۶) نمیتوان تعریفی روشن، مشخص و واحد از آن ارائه داد. این موضوع احتمالاً به دلیل چندساحتی بودن امنیت است، زیرا این مفهوم توأمان هم واقعیتی بیرونی است و هم ماهیتی ذهنی. مفهوم امنیت در رابطه با مفاهیم مرتبطی مانند قدرت، مصالح، تهدیدها و ... که تمام آنها مانند امنیت دارای ماهیتی مجمل و سیال هستند مصداق خود را می یابند (تاجیک، ۱۳۷۷: ۳۶).

با توجه به این گستردگی مفهومی و شناختی موجود درباره امنیت، باید اذعان نمود که شناخت امنیت جز با فهم ذات و ماهیت و تحولات مفهومیاش امکان پذیر نیست (خلیلی، ۱۳۸۷: ۴۹۸). از یک سو، تعریف امنیت و ترسیم عرصه و دامنه آن، پیوندی مستقیم با ذهنیت مردم از آسیب پذیری و تهدید دارد و از سوی دیگر، متأثر از پیش فرضهای آنان در موضوعاتی چون منافع، ارزشها، مصالح و قدرت ملی و مانند آن است (تاجیک، ۱۳۸۱، ۳۴).

امنیت از لحاظ لغوی و در گفتمان سنتی، عبارت است از توسل به قوای قهریه برای حصول به آرامش و فرار از خطر. در فرهنگ لغات فارسی به معنی آزادی، آرامش، فقدان ترس و عدم هجوم

1. Wolfers, Arnold.

2. Collins, Alan.

دیگران آمده است (کوچکی، ۱۳۳۸: ۱۰). امنیت عبارت است از «اطمینان خاطر که بر اساس آن، افراد در جامعه‌ای که زندگی می‌کنند در حفظ جان، حیثیت و حقوق مادی و حقوق معنوی خود بیم و هراسی نداشته باشند» (هاشمی، ۱۳۸۴: ۲۷۶). میتوان تعاریف فرهنگ لغت از امنیت را به شکل حفاظت از خطر (امنیت عینی)، احساس ایمنی (امنیت ذهنی) و رهایی از تردید (اطمینان داشتن از آگاهی فردی) خلاصه نمود.

گسترش مفهومی امنیت، باعث شده است که بیش از ۱۸۰ تعریف برای امنیت ارائه شود که بیشتر تحت دو گفتمان سلبی و ایجابی جای می‌گیرند؛ این تعاریف را در دو رویکرد یا گفتمان اصلی می‌توان سامان داد (افتخاری، ۱۳۸۰: ۲۹).

رویکرد سلبی: در این گفتمان، امنیت به فقدان تهدید، تعبیر شده و از لحاظ اصطلاحی «وضعیتی است که در آن، منافع بازیگر از سوی دیگر بازیگران مورد تهدید واقع نشود یا در صورت وجود تهدید احتمالی، امکان مدیریت آن برای تهدیدشونده وجود داشته باشد». این گفتمان «برونگر»، «قدرت‌مدار» و «سخت‌افزارگرایانه» تلقی میشود و شامل رویکردها و مکاتب تفکری گوناگونی مانند سنت‌گرایان (با محوریت قدرت نظامی) و فراسنت‌گرایان با محوریت قدرت چندبعدی است که همگی در تحلیل امنیت بر اصل «قدرت» متفالق‌قول هستند^۱ (افتخاری، ۱۳۹۳: ۸۸).

امنیت داخلی در این دیدگاه جنبه سلبی دارد و با نبود عامل دیگری تعریف می‌شود. بنا بر مثال و لفرز، نبود ترس و نبود اجبار، نبود خطر خارجی و یا رفع نیازمندی‌های اجتماعی و یا ترکیبی از عوامل مذکور، مهم‌ترین عواملی هستند که معمولاً مدنظر بوده‌اند (آقابخش، ۱۳۷۶: ۳۶۵). در مجموع این گروه از تعاریف، امنیت را در نفی وجود تهدید می‌دانند که معمولاً تحصیل آن رسالت دولت هم به‌شمار می‌رود. این تعاریف از این جهت که به واقعیت نزدیک‌ترند و به بیان دیگر واقع‌بینانه تر و عینی‌ترند مورد تأکید بیشتری بوده‌اند.

۱. مطالعات امنیتی رادر کل می‌توان به چهار موج اصلی تقسیم کرد. موج نخست که با عنوان «مطالعات سنتی» شناخته می‌شود که دو گروه «سنت‌گرایان ارتدکس» و «سنت‌گرایان میانه‌رو یا معتدل» را شامل می‌شود که محور اصلی بحث آنان را «کاربرد زور نظامی برای تحصیل امنیت» شکل می‌دهد. موج دوم (یا همان فراستی) قائل به تعدد ابعاد امنیت بوده و بنابراین از ابعاد اقتصادی، فکری، زیست‌محیطی و ... برای امنیت سخن گفته و در واقع تصویری چندبعدی از امنیت ارائه نموده است. از این منظر می‌توان یک بُعد حقوقی نیز برای امنیت قائل شد. موج سوم، مطالعات مدرن است که امنیت رادر نسبت بین خواسته‌های شهروندی با کارویژه‌های دولتی ارزیابی می‌نماید؛ و بالاخره موج چهارم، مطالعات فرامدرن را شامل می‌شود که موضوع محوری بحث ایشان را مقوله «امنیت جهانی» شکل می‌دهد.

در مدل‌های مختلف و موجود سیاست جنایی، این مفهوم و خوانش از امنیت، بیشتر در مدل‌هایی از سیاست جنایی مانند اتوریتر و توتالیترا^۱ که امنیت به مثابه قدرت هیئت حاکم در نظر گرفته می‌شود و هرگونه تهدید علیه حاکمیت در آن به شدت سرکوب می‌گردد بروز و ظهور دارد. در این نظامها امنیت در واقع به مثابه ابزاری است که از آن برای حفظ حاکمیت استفاده می‌شود و از این جهت آزادی‌های شخصی نیز در سایه این حدود مشخص، تبیین و تعریف می‌شوند.

رویکرد ایجابی: این دسته از تعاریف، بیشتر به ایجاد شرایط ایدئال تحت عنوان امنیت داخلی تکیه دارند. این طیف از نویسندگان با تکیه بر مفاهیم بنیادینی همچون منفعت، بقا و یا حقوق فردی سعی در ترسیم سیمایی ذهنی و آرمانی از امنیت در جامعه دارند (فیشر^۲، ۱۹۹۳: ۱۱). انتزاعی و ذهنی بودن امنیت در این مفهوم مورد انتقاد قرار گرفته است. مشخصترین دیدگاه ارائه شده در این باره منتسب به دیدگاه رابرت ماندل است که مفهوم «احساس رضایت و اطمینان خاطر» را جایگزین مفاهیم عینی از امنیت نموده و اصلی‌ترین تعریف ایجابی از امنیت داخلی را طرح کرده است (کاظمی، ۱۳۷۰: ۱۱۵). برای ارائه تعریفی از امنیت، مطابق با این گفتمان می‌توان چنین اظهار داشت که: امنیت وضعیتی است که در آن بین خواسته‌ها و داشته‌ها در یک واحد سیاسی یا اجتماعی معین، با توجه به ضریب ایدئولوژیک آن، تناسب وجود دارد، به گونه‌ای که در اعضا، تولید رضایت‌مندی می‌نماید؛ به عبارت دیگر، امنیت در این گفتمان با مفهوم محوری رضایت، فهم و تحلیل می‌شود.

مهم‌ترین ملاحظات انتقادی این گفتمان در مواجهه با گفتمان سلبی امنیت، عبارت است از: اولاً؛ ماهیت قدرت تغییر یافته است و دیگر انحصار آن در منابع سخت‌افزارانه مورد پذیرش نیست؛ ثانیاً؛ آسیب‌ها نسبت به تهدیدات، نقش برجسته‌تری در بروز ناامنی یافته‌اند؛ ثالثاً؛ تهدیدات بیرونی، تابعی از تحولات و شرایط داخلی به شمار می‌آیند که اعتبار سلبی‌گرایی را به دلیل تأکید بر «مناسبات خارجی» تا «شرایط داخلی» زیر سؤال می‌برد (افتخاری، ۱۳۹۱: ۷۰).

به نظر می‌رسد که این مفهوم از امنیت بیشتر در سیاست‌گذاری‌های کیفری و در مدل‌هایی از سیاست جنایی مانند لیبرال قابل مشاهده است که در آنها خوانش رضایت‌مدار از امنیت متمایل به

1. Authoritarian & Totalitarian.
2. Fisher, Dietrich.

ارزش‌هایی دیگر مانند آزادی شده و یا صبغه آزادی محور به خود گرفته است از این رو اقدامات امنیت‌مدار کنشگران آن با توجیهاتی مانند ابتدای بر رضایت جمعی و تأمین آزادی‌های عمومی توجیه می‌شوند.

ابعاد امنیت

امنیت بر حسب تنوع و تعدد، ابعاد مختلفی دارد که مهم‌ترین آنها امنیت اقتصادی، امنیت قضایی، امنیت غذایی، امنیت بهداشتی، امنیت محیط‌زیست، امنیت فردی، امنیت اجتماعی، امنیت ارتباطات و امنیت سیاسی است. آنچه اهمیت دارد این است که مفهوم امنیت به تدریج و با توسعه تمدن بشری تحول یافته است؛ به گونه‌ای که دیگر امنیت، محدود به تهدیدهای مرزی و یا تهدید علیه امنیت جسمی شهروندان نیست بلکه ابعاد تازه‌ای به خود گرفته است. برای نمونه نظریه پردازانی مانند، «هابز»^۱، «لاک»^۲ و «منتسکیو»^۳ امنیت را فراتر از مسئله تهدید مورد بررسی قرار داده‌اند. «هابز» معتقد بود که امنیت به معنای تضمین حق حیات شهروندان است و در مقابل، «جان لاک» درباره صلح و امنیت نظریه مقابل می‌نویسد: مقصود از صلح و امنیت تنها آن نیست که زنده باشیم؛ بلکه منظور واجد بودن رفاه و آسایش و ایجاد تسهیلات مشخص است که حق طبیعی ماست و وظیفه مؤسسات دولتی است که آن را به دست آورند و نگهداری کنند. «منتسکیو» نیز درباره صلح و امنیت عقیده دارد که چون امنیت نتیجه صلح است و صلح، اولین قانون طبیعت است از این رو بزرگ‌ترین هدف در هر حکومتی، ایجاد امنیت است و مقصود از امنیت، تنها حفظ حیات نیست بلکه تأمین آزادی است (هاشمی، ۱۳۸۳: ۱۴۸).

در این میان، مصداق‌هایی از امنیت، مورد توجه و موضوع بحث‌های سیاست‌جنایی است که امنیت فردی و امنیت اجتماعی است. در اسناد بین‌المللی امنیت فردی دارای مصادیق فراوانی است از جمله امنیت جان که در ماده ۳ اعلامیه جهانی حقوق بشر مطرح شده است که هر کس حق زندگی، آزادی و امنیت شخصی دارد. ماده ۲۲ قانون اساسی ایران نیز جان اشخاص را از تعرض مصون می‌داند، مگر در مواردی که قانون تجویز کند. لازم به ذکر است که حق حیات، صرفاً شامل

1. Thomas Hobbes.
2. John Locke.
3. Montesquieu.

زندگی کردن نمی شود بلکه عدم انجام رفتار ترضیلی و مجازات بدنی موهن نیز، تعرض به حیات اشخاص به شمار می آید که این در ماده ۵ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۷ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی آمده است. امنیت حیثیت و آبرو که مطابق با ماده ۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر تمام افراد بشر از لحاظ حیثیت و حقوق با هم برابرند و این امر در اصل ۲۲ قانون اساسی نیز مورد اشاره قرار گرفته است. امنیت مسکن که مداخله خودسرانه نسبت به اقامتگاه افراد، به موجب ماده ۱۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر و ماده ۱۸ میثاق بین المللی حقوق مدنی و سیاسی و ماده ۸ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر ممنوع شده است و در ماده ۲۲ قانون اساسی ایران نیز مسکن افراد را مگر در مواردی که قانون تجویز کند، از تعرض مصون اعلام می دارد. امنیت اجتماعی نیز، دایره گسترده ای از مصادیق امنیت را دربر میگیرد که هدف آن حفظ منافع حکومت است و دایره آن، بر حسب جایگاه آزادی فردی و قدرت طلبی حکومت، تعیین میشود.

آنچه در غالب مکاتب متعارف و مادی درباره امنیت وجود دارد، در دو قالب امنیت فردی و جمعی نمود یافته است که معمولاً تکساحتی و تکبعدی هستند. از منظر مکتب اسلام امنیت موضوعی ذواضلاع و چندساحتی است و علاوه بر ابعاد مادی و دنیوی دارای ابعاد اخروی نیز هست. بر این مبنا تربیت اخلاقی و تعالی معنوی، به مثابه اموری که به سعادت فردی مرتبط است، آثار اجتماعی نیز دارد. انسان بر پایه بعد متعالی، وجودی است که از جایگاهی مهم و خطیر در هستی برخوردار است، چراکه به واسطه آگاهی و آزادی در گزینش خیر و شر، بالقوه می تواند تکامل یابد و با توجه به بهره مندی از این بعد متعالی وجودی است که حائز کرامت ذاتی و دارنده اختیار و آزادی و در نتیجه، مسئولیت اخلاقی است. از این رو امنیت مادی در کنار امنیت معنوی و ایمانی هر دو مورد توجه اسلام بوده و هر دو مکمل و مقوم یکدیگر به شمار می آیند؛ بنابراین بُعد دنیوی امنیت در قالب اصول فرانظری اندیشه سیاسی اسلام، از یک سو، به صورت سلبی، ناظر بر ایجاد مصونیت یا امان یابی در مقابل انواع عواملی است که آگاهی و آزادی انسانی را تهدید می کند و از سوی دیگر، ناظر بر شرایطی ایجابی است که موجب توسعه مدنی در عرصه های مختلف علمی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و سیاسی می شود و شرایط را برای تکامل و سعادت دنیوی

و اخروی انسان فراهم می‌آورد. این رویکرد باعث توجه توأمان به درون و برون، امنیت نرم و امنیت سخت، دنیا و آخرت و ... میشود که در بحث مدیریت جرائم در سیاست جنایی دارای آثار مثبت فراوانی است. برای نمونه، اجتماعی کردن مسئله امنیت و یا حل موضوعات امنیتی از طریق تدابیر و راهبردهای غیرامنیتی، باعث ارتقای مشروعیت و مقبولیت حاکمیت و تولید نظم و امنیت پایدار خواهد شد. به بیان دیگر از طریق تقویت «روابط گفتگویی»^۱ بین جامعه مدنی و حاکمیت، اطلاعات و برداشتها برای رسیدن به تفاهم مشترک همسو می‌شود و زمینه‌های ایجاد امنیت مطلوب که در واقع هدف غایی سیاست جنایی کارا نیز هست فراهم میگردد (پورسعید، ۱۳۸۳: ۱۲۸).

کارکردهای امنیت

از یک منظر، امنیت گاهی جنبه حاکمیتی و گاهی نیز کارکرد مشروعیت‌ساز دارد؛ زمانی در نقش موضوع یا هدف آشکار میشود و زمانی نیز ابزار رسیدن به هدفی است چنانکه اگر امنیت نباشد بسیاری از اهداف، دست‌نیافتنی به نظر خواهند آمد. بر این مبنا و در ادامه سخن به کارکردهایی که برای امنیت میتوان تصویر نمود اشاره میشود:

امنیت به مثابه هدف: ارزش امنیت بسته به جایگاه کاربرد آن، به گونه‌ای است که وجود آن همواره به‌عنوان یک هدف بنیادین برای هر نظام سیاسی و یا هر مدل از سیاست جنایی مطرح بوده است. به بیان دیگر به همان اندازه که یک نظام سیاسی اتوریتر و یا توتالیتر، در پی حفظ امنیت خود است، دولت مردم‌سالار یا لیبرال نیز به آن اهمیت میدهد البته در کنار سایر اهداف مانند آزادی. ضمناً امنیت در دولت‌های خودکامه، از امنیت ملی به امنیت دولت و گاهی نیز به امنیت شخص (فرمانروا) تغییر ماهیت میدهد ولی در دولت‌های مردم‌سالار، به امنیت حاکمیت همچون امنیت جامعه مدنی توجه می‌شود و امنیت دولت پس از امنیت ملت قرار می‌گیرد.

واقع‌گرایان - که به تهدید نگاهی واقع‌بینانه دارند - امنیت را هدف برجسته دولت‌ها می‌دانند و بر این باورند که «در روابط میان کشورها، جایی برای اخلاقیات وجود ندارد ملت‌ها صرفاً بر اساس منافع ملی خود عمل می‌کنند» (شولتر، ۱۳۸۶: ۴۰). در این رویکرد معنای امنیت در رویارویی با

1. Discursive Relationship.

تهدید سنجدیه میشود؛ به بیان دیگر امنیت با تهدید معنا یافته و با زبانی که تهدید به آن وارد ساخته، شناسایی می شود. تهدیدها برای امنیت ملی بر دو گونه اند: یا تهدیدهایی گران، اثرگذار و گسترده اند به گونه ای که بایسته های زندگی شهروندان یک دولت را نادیده می گیرند و یا تهدیدهای برجسته ای هستند که سیاست های دولت را در تنگنا می گذارد (اولمن، ۲۰۰۵: ۳۵).

امنیت همیشه موضوع یا هدف اقدامات قانونی یا سیاست های دولت نیست؛ گاهی امنیت موضوع یا هدف رفتارهای غیرقانونی یا بزهکارانه است که در واقع موضوع حقوق کیفری و سیاست جنایی است. در اینجا حقوق کیفری و یا سیاست های جنایی نسبت به امنیت نقش ابزاری دارند و به عنوان وسیله های در جهت تحقق امنیت گام بر میدارند. تدابیر پیشاکیفری یا پساکیفی، تدابیر و راهبردهای سیاست های کیفری و جنایی به منظور عدم وقوع بزه یا جرم سامان میبندند تا امنیت در تمام ابعاد آن آسیب نبیند و یا مختل نشود.

امنیت به مثابه ابزار: در این رویکرد، امنیت یک وسیله و ابزار ارزشمند است که اهمیت آن دارای ارزشی فراگیر بوده و در همه سطوح زندگی بشری قابل رؤیت است. ضمن اینکه این ارزش دارای تقدم ذاتی و ترجیح اساسی نسبت به سایر ارزشها و مصالح بوده و جنبه دائمی و همیشگی دارد؛ پس امنیت ارزشی بنیادین دارد و پایه ای برای سایر مصالح از جمله آزادی به شمار می آید و به تعبیر دیگر پایه است نه ابزار. البته نبایستی معنای امنیت را در این مفهوم به امنیت سخت افزاری تقلیل داد. برخی معتقدند که «گفتمان سخت افزاری از امنیت در به کارگیری واژه هایی مانند تهاجم، توطئه و تجاوز در برخورد با بیگانگان نمود می یابد» (علینقی، ۱۳۸۰: ۲۳).

برخی نیز با تبعیت از گفتمان موجود در علوم رایانه ای، امنیت را در دو دسته سخت افزاری و نرم افزاری معرفی نمودند: «وجه سخت افزاری امنیت ملی بستگی به تعداد نیروها، افزارها و ادوات جنگی، توان مقابله با تهدیدات، داشتن قدرت اقتصادی برتر، وسعت سرزمینی مناسب و غیره مرتبط است». وجه نرم افزاری امنیت، مانند وحدت ملی، انسجام و هویت ملی، فرهنگ و بستر فرهنگی و اجتماعی، روحیه ملی و غیره است که نباید از نظر دور داشته شود. شناخت این

1. Ullman, Richard.

دو وجه و درک نسبت آنها، برای درک امنیت ملی و نحوه مواجهه با آن برای سیاست‌گذاران هر کشور حیاتی است (غرایاق زندی، ۱۳۹۰: ۲۱)

وجه ابزاری امنیت در حقوق کیفری نیز دارای اهمیت و برجستگی است، زیرا با وجود بستر امنیتی است که تدابیر و مقرره‌های کیفری به‌ویژه آیین‌های رسیدگی قابلیت ظهور و بروز اجرایی می‌یابند. از این رو امنیت لازمه پیشگیری از بزه و همچنین تعقیب، رسیدگی، پیگرد و مجازات بزهکار، متهم و یا مجرم به‌شمار می‌آید. از این وجه میتوان از لزوم وجود امنیت قضایی نیز یاد کرد. در خصوص تدابیر و راهبردهای پیشگیرانه و تأمینی در جهت کنترل و مدیریت بزه و ناامنی؛ مانند جرمانگاریهای پیشگیرانه یا جرمانگاریهای مانع، شنود تلفنی، کنترل ورود و خروج مرزی، جستجوی وسائل ترابری و مسافربری یا وسائل همراه فرد، کنترل تراکنش‌های بازرگانی و بانکی و ... نیز میتوان این‌گونه تعبیر نمود که تمام این اقدامات به‌عنوان ابزارها و وسیله‌های مقدماتی برای تأمین امنیت و تحقق سایر اهداف عدالت کیفری مانند آزادی مورد استفاده هستند. امنیت به‌مثابه گفتمان: چنانچه امنیت را از منظر وضعیت یا حالت و یا احساسی که در اثر فقدان تهدید حاصل می‌گردد مشاهده نماییم میتوان امنیت را به‌مثابه «حالت فراغت از هرگونه تهدید یا حمله و یا آمادگی برای رویارویی با هر تهدید و حمله دانست» (آشوری، ۱۳۸۶: ۳۸). در این موضع، با توجه به وابستگی و تبعیت این تعریف از حالت یا وضعیت، بایستی نقش نیازها و الزامات مکانی و زمانی را در تعریف امنیت بسیار بااهمیت بدانیم به این معنا که تعریف امنیت با توجه به حالتهای مکانی و زمانی که در آن به سر می‌بریم ممکن است به صورتهای گوناگونی ظاهر گردند و از این رو می‌توانند در همه دولت‌ها و نزد جوامع مختلف دارای بار معنایی ویژه و خاص باشند. بر این اساس تعریف از امنیت به‌مثابه یک گفتمان، تعبیر نابه‌جایی نیست. «گفتمانی که به سبب ماهیت گفتمان‌یاش سیال و متحول است و می‌تواند شرایط زمانه و متغیرهای بیدیلی را که از یک محیط و بستر امنیتی خاص جلوه می‌کنند، مورد توجه قرار دهد. همچنین می‌تواند تمامی ابعاد مفهوم را شامل شود؛ یعنی به هر شخصی اجازه می‌دهد که دیدگاهی همه‌سونگر به موضوع داشته باشد به‌گونه‌ای که در بررسی‌های خود تمامی مسائل مربوط به مفهوم را - از

فرد گرفته تا جمع، از واقعیت‌ها گرفته تا ایدئالها، از ارزش‌ها و هنجارها گرفته تا اهداف، از منافع گرفته تا مصالح و از چارچوب ملی گرفته تا چارچوب‌های منطقه‌ای و بین‌المللی - لحاظ کند. اگر از این دیدگاه به امنیت ملی بنگریم، مشاهده می‌کنیم که این مفهوم همیشه در حال نو شدن و تغییر است» (علینقی، ۱۳۸۰: ۴۲). امنیت در جامهٔ گفتمان، زمانی بیشتر ظاهر میشود که مفهوم امنیت را در تحول تاریخپاش و در ابعاد مختلف آن دورهٔ زمانی خاص، مورد تدقیق و بررسی قرار دهیم؛ برای نمونه در یک دورهٔ مشخص ممکن است مفهوم امنیت بین دو قطب سخت یا نرم متغیر باشد اما در مجموع می‌توان چهار دوره برای تحول مفهومی امنیت به شرح زیر در نظر گرفت: «حفظ بقا و موجودیت، فقدان تهدید، توانایی و قدرت و همگرایی و همکاری» (خلیلی، ۱۳۸۳: ۷). این ادوار، از زمان تشکیل حاکمیت به‌عنوان گفتمانهای موجود، تاکنون وجود داشته و بنا بر اقتضانات زمانی و مکانی، مورد توجه بوده‌اند.

امنیت از منظر آموزه‌های دینی

خوانش اسلامی از ارزش‌هایی مانند امنیت، مبتنی بر اصول و آموزه‌های وحیانی و معرفت‌شناسی حاکم بر جهان‌بینی و انسان‌شناسی مورد قبول و حاکم بر آن ارزش‌ها است. آیات و روایات فراوانی دربارهٔ اینکه امنیت زمینه‌ساز تحقق سایر ارزش‌ها و بستر دستیابی انسان به خیر و سعادت دنیوی و اخروی است، وجود دارد. برای نمونه قرآن کریم، ضمن توجه به نعمت حکومت و امنیت، وعدهٔ آن را به‌عنوان خیری دنیوی و بستر امکان سعادت اخروی به مؤمنان میدهد.^۱ پیامبر اکرم (ص) نیز در روایتی می‌فرماید «لَا خَيْرَ فِي الْوَطَنِ إِلَّا مَعَ الْأَمْنِ وَالْمَسْرَةِ» (نوری، بی تا: ۱۷۱) یعنی «در جایی که امنیت و شادی در آن موجود نباشد هیچ خیری نیست». آیهٔ ۹۱ سوره مبارکه مائده شرب خمر و قماربازی را از جمله مفاسدی معرفی میکند که علاوه بر ایجاد خصومت و دشمنی در جوامع، امنیت فردی و اجتماعی را تهدید می‌کند و مانع تعالی اخلاقی و کمال معنوی افراد می‌شود.

۱. «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ» (نور، ۵۵).

در بسیاری از روایات نیز به اهمیت امنیت در روابط انسانی توجه شده است. پیامبر اکرم (ص) فرمود: «مَنْ أَصْبَحَ مِنْكُمْ آمِنًا فِي سِرِّهِ مُعَافَى فِي جَسَدِهِ عِنْدَهُ قُوَّةٌ يَوْمَهُ فَكَأَنَّمَا حِزْبُ لَه الدُّنْيَا بِحِذَائِهَا» (تنکابنی، ۱۳۷۴ق: ۵۹).

یعنی هر که تنش سالم است و در جماعت خویش ایمن است و قوت روز خویش دارد، جهان سراسر مال اوست. ایشان در جایی دیگر می‌فرماید: «الْأَمْنُ وَالْعَافِيَةُ نِعْمَتَانِ مَعْبُودُونَ فِيهَا كَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ» یعنی سلامت دو نعمت است که بسیاری از مردم در آن مغبون‌اند (تنکابنی، ۱۳۷۴ق: ۵۹). امام علی (ع) در بحث از اهداف عالی حکومت، یکی از دلایل پذیرش حاکمیت خویش را تأمین امنیت برای بندگان مظلوم و محروم و حمایت از آنها برمی‌شمارد همچنین در بیان نقش و اهمیت امنیت می‌فرماید: «رفاه زندگانی در امنیت است» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ق، ۱۰/۴) و در جایی دیگر می‌فرماید «هیچ نعمتی گوارتر از امنیت وجود ندارد» (تمیمی آمدی، ۱۳۶۰ق، ۴/۳۵).

امام صادق (ع) نیز در بیانی زیبا از امنیت در کنار عدالت و فراوانی به‌عنوان نیازهای مردم یاد نموده است: «ثَلَاثَةٌ أَشْيَاءُ يَحْتَاجُ النَّاسُ طَرَأَ إِلَيْهَا: الْأَمْنُ وَالْعَدْلُ وَالْخَصْبُ» (ابن شعبه الحرائی، ۱۴۰۴ق: ۳۳۴) یعنی «سه چیز است که همه مردم به آن نیاز دارند: امنیت، عدالت و فراوانی». بر مبنای روایات فوق و بسیاری از آموزه‌های دیگر امنیت و تأمین آن باید در تمامی برنامه‌ریزی‌ها از جمله سیاست‌گذاری‌های کیفری و جنایی به‌عنوان راهبردهای عالی نظام اسلامی مورد توجه واقع شود.

در فرهنگ اسلام که برگرفته از روایات معصومان (ع) است، مبنا و سرچشمه اصلی امنیت، ایمان الهی است که همه ابعاد وجودی انسان‌ها را پوشش می‌دهد و دنیا و آخرت را شامل می‌شود. در این فرهنگ، اساس بر امان الهی و ایمان و ایمنی از عذاب و قهر خداوند متعال است تا انسان به اعتماد و اطمینان برسد و صاحب‌نفس مطمئن گردد. امنیت اساسی که همان امنیت معنوی است با سکینه و دخول در دارالسلام امن الهی، احیای قلب، مبارزه با نفس و شهوات، سیر و سلوک الی الله و رسیدن به مدارج کمال، معرفت و شهود همراه است (اخوان کازمی، ۱۳۸۹: ۳۹). بر اساس روایات، ریشه امنیت معنوی فرد مؤمن و متقی، خوف الهی است. این خوف نیز با تأمین و تحصیل امنیت مذکور، رابطه کاملاً مستقیمی دارد؛ هر قدر که مؤمن از خدا ترسان باشد از غیر خدا

نمی‌ترسد و دیگران او را صاحب هیبت می‌دانند. حضرت علی (ع) نیز ضمن اینکه ایمان را مایه امنیت می‌داند^۱ (مجلسی، بی‌تا: ۱۶۳/۴) خوف الهی را عاملی برای رسیدن به امنیت می‌شمارد و مردم را به محاسبه نفس، عبرت‌گیری و بصیرت‌ورزی و تفهّم و تعلّم که در یک راستا و متعامل با هم هستند، توصیه می‌کند (مجلسی، بی‌تا: ۷۰/۷۳).

در خصوص سیاست‌گذاری‌های کیفی و جنایی نیز باید دقت نمود که تأمین امنیت فردی از یک‌سو و امنیت اجتماعی نیز از سوی دیگر از ابعاد مهم و مورد توجه است. امنیت فردی، عبارت است از حالتی که فرد، در آن از لحاظ جسمی و روحی، فارغ از ترس نسبت به آسیب رسیدن به جان، مال یا آبروی خود یا از دست دادن آنها زندگی کند و امنیت اجتماعی به معنای امنیت جان، مال، آبرو و موقعیت شخص از جانب عوامل اجتماعی است. در اندیشه اسلامی، امنیت فردی و اجتماعی را باید در سایه تقوا، عدالت، رعایت حرمت و حقوق انسان‌ها، دفاع از مظلومان، برخورد با مفسدان و مجرمان، رفع فقر، تأمین رفاه و معیشت مردم، حفظ آزادی‌های مشروع، حاکمیت عادلانه، حقانی و قانونی و به‌طور کلی در معیارهای انسانی و الهی جست‌وجو کرد. از سویی بنا به دیدگاه معصومان (ع) ریشه و اساس کلیه ابعاد امنیت از جمله امنیت فردی و اجتماعی نیز در ایمان و باورهای دینی و امنیت معنوی نهفته است (اخوان کاظمی، ۱۳۸۹: ۴۰). درباره امنیت فردی مؤمن و امنیت اجتماعی جامعه ایمانی آنچه در بدو امر به ذهن متبادر می‌گردد بحث از کرامت فردی مؤمن و حرمت اجتماعی جامعه ایمانی است. در مورد امنیت فردی امام صادق (ع) در حدیثی حرمت مؤمن را از خانه کعبه بیشتر دانسته‌اند (مجلسی، بی‌تا: ۷۱/۶۷). پیامبر اکرم (ص) نیز درباره لزوم وجود امنیت همه‌جانبه اجتماعی، مالی و جانی در جامعه ایمانی و بین مسلمین فرموده‌اند: «همه‌چیز مسلمان، از مال و آبرو و خونس بر مسلمان دیگر حرام است. برای مرد همین شربس که برادر مسلمان خویش را تحقیر کند» (تنکابنی، ۱۳۷۴: ۱۳۸). در روایات دیگری پیامبر فرموده‌اند: «به شما بگویم که چرا مؤمن، مؤمن نامیده شده است؛ چون جان و مال مردم از (تعرض) او در امان است»^۲ (حرعاملی، ۱۴۰۹: ۱۴/۱۴). در واقع حفظ

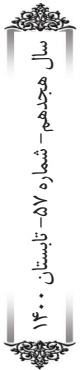
۱. «من آمن امن».

۲. «الآنئینکم لم سمی المؤمن مؤمناً؟ لا یمانه الناس علی انفسهم و اموالهم».

امنیت سایر افراد و به تعبیر دیگر، عدم ایذاء و آزاررسانی از نشانه‌های مؤمنین به‌شمار آمده است؛ تا جایی که صفاتی مانند تعرض، خشونت، آبروریزی، ایجاد ناامنی و رعب و هراس در تقابل کامل با ایمان و رفتار مؤمنانه دانسته شده است؛ بنابراین امنیت در تفکر اسلامی، نه تنها در مورد جان و مال و حقوق و آزادی‌های مربوط به این موارد صادق است، بلکه شامل شخصیت و شرف و آبروی او هم می‌شود تا جایی که پیامبر اهانت به مؤمن را در حکم جنگ با خود دانسته است (قمی، بیتا: ۱/۶۱). با توجه به تأکیدهایی که در خصوص لزوم تأمین امنیت در ابعاد فردی و جمعی در سیاست جنایی و سیاست‌گذاری‌های کیفری در آموزه‌های اسلامی و دینی وجود دارد و نمونه‌های مختلف آن را در آموزه‌های فقهی ملهم از شریعت و در احکام حدود، قصاص، دیات و احکام تعزیری قابل مشاهده است، می‌توان به جایگاه امنیت در ساختار و ساماندهی سیاست جنایی مدون در حوزه مدیریت جرائم و آسیب‌های اجتماعی در جامعه ایمانی و اسلامی پی برد. در واقع در رویکرد دینی برخلاف رویکرد دنیایی که امنیت بر مبنای ایمنی انسان نه در ذیل ایمان او به خدا، بلکه کاملاً جدا از آن تعریف می‌شود (ویلیامز، ۲۰۰۸، ۹۰) امنیت دارای رنگ و بویی الهی و ایمانی است و در حوزه تدوین راهبردها و سیاست‌های جنایی و کیفری، امنیت افزایی و روش‌های نیل به آن بایستی در راستا و مؤید ارزش‌های دیگری مانند عدالت و آزادی بوده و در عمل با آنها متعامل و با کمترین اصطکاک عمل نموده و همگی به‌منظور تعالی جامعه ایمانی و نیل به اهداف عالی جامعه اسلامی که همانا نیل به قرب الهی است تنظیم و تدوین گردند. در واقع در اسلام تمام روش‌ها و راهبردهایی که در راستای مدیریت، کاهش جرم و پیشگیری از وقوع آن در برابر اقدامات مخل امنیت توسط کنشگران فعال به‌صورت عام در عرصه سیاست‌های جنایی تقنینی، قضایی و اجرایی اسلام صورت می‌گیرد و یا اقداماتی که پس از وقوع جرم به‌منظور بازدارندگی خاص و جلوگیری از جرئت‌یابی مخلان امنیت مادی و معنوی افراد تحت عنوان سیاست کیفری اسلام در جامعه صورت می‌گیرد اولاً مبتنی بر احکام شریعت مقدس اسلام است و ثانیاً با هدف ارتقای امنیت مادی و معنوی جامع ایمانی و در

1. Williams.

راستای قرب الی الله، تربیت و تنبه افراد با نگاهی کریمانه و رحیمانه تدوین و اجرا می‌شود. برای نمونه در مورد آیات کریمه ۱۷۸ و ۱۷۹ سوره بقره، خداوند دومرتبه به قصاص و یکمرتبه به عفو جانی اشاره دارد که به نظر علامه طباطبایی در میزان تأکید بر قصاص، به این خاطر است که «عفو جانی موجب گسترش رحمت است ولی مصلحت عمومی با قصاص تأمین می‌شود زیرا آنچه حیات اجتماعی آدمی را تأمین می‌کند همان‌گونه که قرآن می‌فرماید «وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَاةٌ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» قصاص است نه عفو یا دیه و مانند آن (طباطبایی، ۱۳۷۹: ۴۳۳/۱). از طرف دیگر عقل به‌عنوان ابزار راهبردی تشخیص، با تأمل در عمق مشروعیت کیفر قصاص به عیان درک می‌کند که حفظ امنیت جسمی و روحی افراد جامعه، از مصالح قطعی و لازم الاستیفایی است که تأمین آن ضروری است و اقتضای تأمین آن نیز پیشگیری از وقوع جرائم علیه اشخاص و تمامیت نفسانی افراد از طریق تعیین مجازات متناسب در قوانین جزایی است.

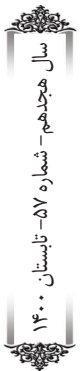


بحث و نتیجه گیری

در هستی شناسی و جهان بینی دینی تأکید بر باورهای ثابت و همیشگی است که خاستگاهی مذهبی دارد. در این رویکرد تعیین جایگاه محوری و اساسی خالق انسان و موقعیت جانبی و فرعی انسان دارای ارزشی کلیدی است. برخلاف این نوع از جهان بینی، در جهان بینی مادی محوریت و اصالت با انسان است و از همین رو اراده انسانی به عنوان مخلوق، نه در طول اراده خالق، بلکه هم عرض با آن یا حتی برتر از آن جای دارد. سایر ارزش هایی که با توجه به این نوع جهان بینی تعریف می شوند مانند امنیت، به تبعیت از جهان بینی مادی از ویژگیهای آن متأثر می شوند و رنگ و بوی مادی میگیرند. در بیانی دیگر در تفکر مادیگر به دلیل تعریف اراده انسان در عرض اراده الهی، امنیت و ایمنی انسان نیز در عرض ایمان انسان به خدا تلقی می شود.

بر اساس چنین نگرشی، بدیهی است که منشأ امنیت، اراده یا خواست افراد فارغ از اراده و خواست الهی و در نتیجه ترجیح منافع و مصالح مادی در ابعاد فردی یا ملی و در پرتو قوای نفسانی به جای منافع و مصالح برتر دینی و جمعی و در سایه قوای روحانی خواهد بود. در حالی که در رویکرد دینی امنیت دارای مفهومی متعالی و موضوعی تحول یافته و پیچیده، در ابعاد همه جانبه معنوی، فردی و اجتماعی، سیاسی و نظامی، اقتصادی، حقوقی و ... است و امنیت در سایه عدالت و آزادی و بر پایه و ملاک ایمان الهی است. در این رویکرد، امنیت، هم در بُعد مادی و هم در بُعد معنوی دارای کارکرد است و در بُعد مادی و دنیوی مردم، هم راستا و متعامل با بُعد معنوی لحاظ می شود. به بیان دیگر از نظر معرفتشناختی، امنیت در آموزه های دینی بیشتر بر بُعد اخروی امنیت تأکید دارد اما با وجود این اصالت بدوی، از آنجا که بُعد مادی امنیت در واقع زمینه ساز بعد عقابایی و معنوی آن است بنابراین از لحاظ زمانی تأمین بُعد مادی امنیت بر امنیت معنوی مقدم است و ابزاری برای تحقق آن به شمار می آید. از این رو در قرائت متعالی از امنیت، ارزشهای مادی و معنوی قرین و ملازم یکدیگرند که می توان به عنوان نمونه از امنیت ایمانی در کنار ایمنی مادی، اصالت حق در کنار وظیفه و توجه به تکلیف در کنار نتیجه گرایی، دین در کنار سیاست، آرمانگرایی در کنار واقعگرایی، خدا باوری در کنار مردمگرایی و ... یاد کرد. باید توجه داشت که تأثیر امنیت بر سیاست گذاری های متولیان و کنشگران در همه ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و از جمله

کیفری و جنایی اجتناب‌ناپذیر است. در واقع نوع، محتوا و مدل سیاست‌های جنایی و کیفری با تأثیرپذیری از تفسیری که کنشگران مؤثر در این عرصه چه در بُعد تقنینی، قضایی و اجرایی از امنیت می‌کنند متحول می‌شود. تأثر سیاست‌های کیفری و جنایی اسلام از امنیت، مبتنی بر تعریفی ذواصلاح از امنیت و در راستای امنیت‌افزایی مادی و معنوی مخاطبان این سیاست‌ها یعنی همه شهروندان جامعه اسلامی و به‌منظور تعالی ایمانی آنها در قرب به الله خواهد بود.



منابع

- ۱- قرآن کریم. ترجمه ناصر مکارم شیرازی. قم: دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳.
- ۲- ابن شعبه الحرانی، ابو محمد (۱۴۰۴). *تحف العقول*. قم: مؤسسه النشر الاسلامی.
- ۳- اخوان کاظمی، بهرام (۱۳۸۹). «امنیت ابعاد و سازوکارهای تأمین آن در روایات». فصلنامه حکومت اسلامی، سال ۱۵، شماره ۲، صص ۳۵-۶۸.
- ۴- افتخاری، اصغر (۱۳۹۱). *تهدید نرم: رویکردی/سلامی*. تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- ۵- افتخاری، اصغر (۱۳۹۳). «تحلیل الگوی تعامل آزادی و امنیت». فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، سال دوم، شماره ۸، صص ۸۳-۹۹.
- ۶- افتخاری، اصغر (۱۳۸۰). *فرهنگ امنیت جهانی: رویکردها و نظریه‌ها*. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی صص ۱۴-۲۹.
- ۷- آشوری، داریوش (۱۳۸۶). *دانشنامه سیاسی*. تهران: مروارید. چاپ ۱۴.
- ۸- آقابخش، علی اکبر (۱۳۷۶). *فرهنگ علوم سیاسی: ذیل عنوان امنیت*. تهران: مرکز اطلاعات و مدارک علمی
- ۹- پورسعید، فرزاد (۱۳۸۳). «فرایند مشروعیت‌یابی در نظام جمهوری اسلامی». *مطالعات راهبردی*، سال هفتم، شماره ۲۶، صص ۷۱۹-۷۴۶.
- ۱۰- تاجیک، محمدرضا (۱۳۷۷). «انتظام در پراکندگی، بحثی در امنیت ملی ایران». *مطالعات راهبردی*، سال دهم، شماره ۲، صص ۱۲۸-۱۱۷.
- ۱۱- تاجیک، محمدرضا (۱۳۸۱). *مقدمه‌ای بر استراتژی‌های امنیت ملی ج.ا.ا. رهافت‌ها و راهبردها*. جلد ۱. تهران: فرهنگ و گفتمان.
- ۱۲- تمیمی آمدی، عبدالواحد (۱۳۶۰). *شرح غررالحکم و دررالکلم*. تصحیح میرجلال‌الدین حسینی. تهران.
- ۱۳- تنکابنی، مرتضی فرید (۱۳۷۴ق). *نهج الفصاحه*. تهران: نشر فرهنگ اسلامی. چاپ ۴.
- ۱۴- حر عاملی، محمد بن الحسن (۱۴۰۹ق). *وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه*. جلد ۱۴. قم: مؤسسه آل‌البیت.
- ۱۵- خلیلی، رضا (۱۳۸۳). «تحول گفتمانی - تحول مفهوم امنیت». فصلنامه مطالعات راهبردی، سال

- هفتم، شماره ۳۳، صص ۷-۲۹.
- ۱۶- خلیلی، رضا (۱۳۸۷). «امنیت و آزادی؛ در جستجوی نگرشی معطوف به توسعه پایدار». مطالعات راهبردی، سال یازدهم، شماره ۳، صص ۴۲۵-۵۲۹.
- ۱۷- شولتز، ریچارد و روی گادسون و جورج کوئیستر (۱۳۸۶). رویکردهای جدید در مطالعات امنیتی. برگردان سید محمدعلی متقی نژاد تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۱۸- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۷۹) *تفسیرالمیزان*. ترجمه موسوی همدانی. جلد ۱. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۱۹- علینقی، امیرحسین (۱۳۸۰). نگاهی به مسائل امنیتی ایران. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۰- غریباق زندی، داود (۱۳۹۰). درآمدی بر سیاست گذاری امنیت ملی. تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- ۲۱- قمی، شیخ عباس (بی تا). *سننیه البحار*. جلد ۱. قم: فراهان.
- ۲۲- قناد، فاطمه و مسعود اکبری (۱۳۹۶). «امنیت گرابی در سیاست جنایی». فصلنامه پژوهش حقوق کیفری، دوره ۵، شماره ۱۸، صص ۳۹-۸۷.
- ۲۳- کاظمی، علی اصغر (۱۳۷۰). *زنجیره تنازعی در سیاست و روابط بین الملل*. تهران: قومس.
- ۲۴- کوچکی، محسن (۱۳۳۸). امنیت دسته جمعی. پایان نامه کارشناسی ارشد معارف اسلامی و علوم سیاسی. دانشگاه امام صادق (ع).
- ۲۵- مجلسی، محمدباقر (بی تا). *بحار الانوار*. قم: دارالکتب الاسلامیه.
- ۲۶- مندنی، اسلام و محمد آشوری (۱۳۹۷). «تحلیل سیاست جنایی امنیت مدار در پرتو اصول اخلاقی و موازین حقوق بشری». فصلنامه پژوهش های اخلاقی، سال ۹، شماره ۳۳، صص ۱۸۳-۲۰۴.
- ۲۷- نوری، میرزا حسین (بی تا). *المستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*. قم: مؤسسه آل بیت لاحیاء التراث.
- ۲۸- هاشمی، محمد (۱۳۸۴). *حقوق بشر و آزادی های اساسی*. تهران: میزان.
- 29-Collins, Alan (2004). *State-Induced Security Dilemma: Maintaining the Tragedy, Cooperation and Conflict*, Vol. 39, No.1
- 30-Fisher, Dietrich (1993). *Nonmilitary Aspects of Security: A System Approach*, Great Britain, Cambridge University Press, pp:10-11
- 31-Ullman, Richard H; *Redefining security*, in *International security*, volume 1, The cold war and and nuclear deterrence, edited by barry buzan, and lene Hansen, sage.